



داستان فیلم در سال ۱۹۳۸ می‌گذرد. درست پیش از آغاز جنگ جهانی دوم. عده‌ای از افراد طبقه‌ی مرفه در ویلایی در نزدیکی آل سائیس گرد هم جمع شده‌اند تا به رسم همیشه آخر هفته را به شکار بپردازند اما... «همه این فیلم را دوست ندارند، اما من دارم. تماشای آن تجربه‌ی تکان دهنده‌ای است.» این را وودی آلن درباره‌ی یکی از بزرگترین فیلم‌های تاریخ سینما می‌گوید و البته بسیاری آن را بهترین فیلم فرانسوی تاریخ هم می‌دانند.

## قاعده بازی (The Rules Of The Game)

یک تراژدی تلخ در زندگی خود شخص و اطرافیانش می‌شود.

فیلم در نمایش فساد درونی و استهزا طبقه‌ی ممتاز اروپای قبل از جنگ دوم جهانی چنان بی‌پروا بود که مورد خشم مردمان همان طبقه قرار گرفت و بعد از سه سال نمایش از پرده پایین کشیده شد و سال‌ها در بایگانی ماند. هر بلایی که تصور کنید بر سر این فیلم آمد؛ از بمباران شدن ساختمان‌های ساخته‌ی اصلی فیلم در آن جا قرار داشت تا ممنوعیت پخش آن در زمان حکومت ویشی در فرانسه. اما در نهایت مانند هر فیلم درخشان دیگری در تاریخ سینما به همت عده‌ای عشق سینما نجات یافت و این گونه این گنجینه‌ی گران قدر در اختیار ما قرار گرفت. اگر برای تماشای فیلم مردد هستید فقط همین یک نکته را در نظر بگیرید که «قاعده‌ی بازی» از یک چهنم حقیقی گذر کرده تا به دست ما برسد؛ پس علاقه‌مندان سینما کمترین کاری که در حق این جواهر می‌توانند انجام دهند، تماشای کردن آن است.

قطعا می‌توان «قاعده‌ی بازی» را در صدر بهترین فیلم‌های فرانسوی تاریخ نشاناند. بعد از تماشای آن چندان از آغاز جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۳۹ و شکست فاجعه‌بار فرانسه به دست آلمان نازی متعجب نخواهید شد؛ چرا که پوسیدگی باطن آن جامعه را با وجود یک ظاهر خوش رنگ و لعاب درک می‌کنید.

■ کارگردان: ژان رنوار

■ بازیگران: ژان رنوار، نورا گریگور و مارسل داریو

■ محصول: ۱۹۳۹، فرانسه

■ امتیاز سایت IMDb به فیلم: ۱۰ از ۸

■ امتیاز فیلم در سایت راتن تومیتوز: ۹۶٪

سال‌هاست که از زمان اکران فیلم «قاعده‌ی بازی» می‌گذرد؛ نزدیک به هشتاد سال اما هنوز هم یکی از برترین آثار تاریخ سینما است و تجربه تماشایش میخکوب کننده است. «قاعده‌ی بازی» هنوز هم پای ثابت لیست منتقدان سینما برای انتخاب یکی از برترین آثار تاریخ سینما است؛ اثری که هنوز هم معیاری برای سنجش آثاری در هجو یک طبقه اجتماعی سال خورده و واداده در برابر جهانی جدید است، طبقه‌ای غرق در فساد و جامانده و بی‌خبر از جهان دور و برش که در قصری شیشه‌ای زندگی می‌کند. پر بیراه نیست اگر در فیلم «قاعده‌ی بازی» به دنبال دلایل شکل‌گیری جنگ دوم جهانی و وحشت فراگیر آن بگردیم.

اما فارغ از همه این‌ها فیلم «قاعده‌ی بازی» پر است از شخصیت‌های ریز و درشت که هر کدام با بحرانی سر و کله می‌زنند. زن‌ها و مردهای فیلم ژان رنوار از کمبود چیزی در زندگی مشترک خود رنج می‌برند و آن را در جایی غیر از محیط شخصی یا درون خود می‌جویند. آن چیز گمشده برای هر کس ممکن است معنایی متفاوت داشته باشد اما در نهایت کمبودش سبب پیدایش

## ناپلئون (Napoleon)

■ کارگردان: آبل گانس

■ بازیگران: آلبرت دبدون، جینامانس و آنتونین آرتا

■ محصول: ۱۹۲۷، فرانسه

■ امتیاز سایت IMDb به فیلم: ۸.۲ از ۱۰

■ امتیاز فیلم در سایت راتن تومیتوز: ۸۸٪

اگر «قاعده بازی» بهترین و مهم‌ترین فیلم تاریخ سینمای فرانسه است، بزرگترینش را باید «ناپلئون» دانست. فیلمی چنان عظیم و جاه طلبانه که تمام مرزهای تولید فیلم در دوره‌ی خودش را جابه‌جا کرد و باعث شد که تکنولوژی‌های ساخته شدن یک فیلم گسترش بسیار پیدا کند. آبل گانس چنان جاه طلب و بلند پرواز و ایده‌آلیست بود که به جان دادن ایده‌های خود بیش از ورشکستگی مادی اهمیت می‌داد و چنان آرمان‌گرا بود که به هیچ روی در برابر هیچ خواسته‌ای از سوی گردانندگان سینما سر خم نمی‌کرد. از سوی دیگر می‌توان «ناپلئون» و بخش‌های پایانی‌اش را بهترین فیلم فرانسوی جنگی هم دانست.

فیلم «ناپلئون» اوج جنبش سینمایی امپرسیونیسم فرانسه در دهه‌ی ۱۹۲۰ میلادی است. جنبشی که در ابتدا طبق نظریات افرادی مانند لویی دلوک، ژرمن دولاک، ژان ایستاین و غیره پا گرفت و می‌توان آن را اولین سینمای تجربه‌گر در تاریخ سینما نامید. آن‌ها مانند اسلافشان در نقاشی، در پی فراچنگ آوردن احساسات قرار در قاب خود بودند و مانند آن‌ها خیلی سریع از واقع‌گرایی به سمت ذهنی‌گرایی حرکت



کرد و باعث شد گانس هیچ‌گاه نتواند آن چه را که دقیقاً مدنظر داشت بر پرده بیاورد.

ما در ابتدا با ناپلئون بناپارت در مدرسه‌ای شبانه‌روزی در دوران کودکی وی آشنا می‌شویم که شاهینی به عنوان هدیه تحویل گرفته و دیگران به همین خاطر به وی حسادت می‌کنند. در ادامه داستان زندگی او تا نوجوانی، جوانی و زمان عاشقی را می‌بینیم و هم چنین با جاه‌طلبی‌های وی روبه‌رو می‌شویم. داستان فیلم تا زمان انتخاب او به عنوان فرماندهی ارتش فرانسه به منظور لشکرکشی به ایتالیا ادامه دارد.

کردند. ایشان مفهومی به نام «فتوژنی» را پایه‌گذاری کردند و رسیدن به غایت این مفهوم را چیزی نامیدند که ناب‌ترین شکل سینما نامیده می‌شد.

آبل گانس هم یکی از همین افراد بود که البته بیش از بقیه به سمت داستان‌گویی گرایش داشت. هر اتفاقی که در فیلم‌های او شکل می‌گرفت بلافاصله یک دستاورد سینمایی به شمار می‌رفت و باعث گسترش دستور زبان سینما می‌شد. او در این فیلم به تصویرگری زندگی یکی از سرشناس‌ترین شخصیت‌های تاریخ کشورش نشسته است و زندگی او از کودکی تا حمله به ایتالیا در جوانی را ترسیم کرده. آبل گانس سعی کرده در این راه از تمام امکاناتی که جنبش امپرسیونیسم برای بیان احساسات آدم‌ها در اختیارش گذاشته استفاده کند و البته از تعالیم مردبزرگی مانند دیوید وارک گریفیث، کارگردان آمریکایی، در داستان‌گویی هم استفاده کرده است.

استفاده از دوربین سوپرنیو، تدوین بسیار سریع و در هم آمیختن نماها با یکدیگر، تمرکز بر حضور یا عدم حضور فرد در قاب برای نمایش این که افکار وی درگیر موضوع دیگری است و مواردی از این دست، آن چیزی است که پیروان این جنبش با خود به سینما آوردند و طبیعی است که آبل گانس هم از این امکانات برای بیان مکنونات قلبی شخصیت اصلی خود استفاده کند. اما فیلم «ناپلئون» فقط به این موارد خلاصه نمی‌شود. ابعاد فیلم آن قدر عظیم و دگرها و صحنه‌های نبرد آن آنقدر غول‌آسا است که عملاً همه عوامل فیلم را ورشکسته